

نتایج تروریسم در مصر

انفجار در شرم الشيخ

فرانسواز ژرمن روبن

در روزهای گذشته، با انفجارهای شرم الشيخ، مصر يك بار دیگر بهایی سنگین را بابت تروریسم پرداخت. این انفجارها در کشوری رخ داد که یکی از گاهواره‌های اسلام گرایی رادیکال است. جنبش **اخوان المسلمین** در سال 1992 در همین کشور، در قلب خاور نزدیک زاده شد. جنبشی که خواهان بازگشت به ریشه‌ها و سنت‌ها و اسلامی سازی مجدد جامعه بود. پیدایش اخوان المسلمین واکنشی از یکسو در برابر تسط استعمار بریتانیا بر آن کشور و از سوی دیگر در برابر پیشرفت سریع جریان‌های ناسیونالیست و مارکسیست در ابتدای سده بیستم بود. مناسبات میان این جنبش‌ها - ناسیونالیست، سوسیالیست و اسلامیت - از همان ابتدا آشفته و بحرانی بود؛ هرچند اتفاق می افتاد که با یکدیگر برضد دشمن مشترك همکاری کنند. این دشمن زمانی بریتانیای کبیر بعنوان قدرتی استعماری بود و بعدها اسرائیل. در دوران اخیر، اخوان المسلمین که مدت طولانی غیرقانونی بود، قانونی شد و با نزدیکی به چپ رادیکال ائتلاف های انتخاباتی برضد حکومت فاسد و مستبد حسنی مبارك برقرار کرد. مبارك مانند پیشینیان خود مناسباتی گنگ و مبهم با جنبش‌های اسلامگرا دارد: از یکسو آنان را بدون رعایت ابتدایی ترین حقوق انسانی سرکوب می کند و از سوی دیگر سیاست زدو بند با اسلامگرایی را به پیش می برد که بدترین نمونه آن تلاش حکومت برای آن بود که با اسلامیسم در زمین آن مبارزه کند، سیاستی که نتیجه آن نابودی تدریجی تمام نهادهای لایک جامعه مصر بود.

موضع‌های آتشی که مدام از تلویزیون پخش می شد و تحمیل قوانین مذهبی، به اسلامی شدن خزنده تمام جامعه منجر شد؛ آن هم در شرایطی که متقابلا سرکوب جنبش اسلامی به مخفی شدن آنان انجامید و برخی گرایش‌های افراطی در میان آنان ظهور کرد که مانند "جماعت اسلامی" ابایی از دست زدن به بدترین اقدامات تروریستی نداشتند.

اینان اقدامات خود را معمولا با حضور خارجی‌ان توجیه می کردند که سرزمین اسلام را "آلوده" کرده‌اند. این خارجی‌ان استعمارگران باشند یا تجار یا توریست و جهانگرد برای آنان تفاوتی ندارد. اما همانطور که ماکسیم رودنسون (اسلام شناس مارکسیست فرانسوی) سال‌ها قبل اعلام کرده بود "**نخستین قربانیان اسلام گرایی خود مسلمانان هستند**". تا به امروز و همانطور که در انفجارهای شرم الشيخ اتفاق افتاد بیش از همه خود مسلمانان در این اقدامات تروریستی کشته شده‌اند. اما تعداد بسیار بیشتری از همین مسلمانان بودند و خواهند بود که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی تروریسم بر دوش آنان بار می شود زیرا که بخش تروریسم نخستین منبع ارزی مصر است. چنانکه سال‌ها طول کشید که مصر بتواند از پیامدهای کاهش رفت و آمد جهانگردان در نتیجه بمبگذاری 1997 در لوکسور سرپا شود. در آن ماجرا 62 تن که 58 تن آنان توریست خارجی بودند جان خود را از دست دادند. اما خونین ترین حمله تروریستی در سال 1981 در اسیوت و اتفاقا در مقر نیروهای امنیتی انجام شد. این حمله های تروریستی در آن زمان نتیجه يك احساس ستم و تحقیر دوگانه بود: محرومیت مردم يك منطقه، مصر میانه، که دولت مرکزی کلا آن را به حال خود رها کرده بود و شورش در برابر يك حکومت دیکتاتوری و فاسد که سیاستی خارجی خلاف خواست مردم را در پیش گرفته بود: از سرگیری مناسبات با اسرائیل. نباید فراموش کرد که مصر نخستین کشور عرب بود که قرارداد صلح با اسرائیل را امضا کرد، اما صلحی منجمد، که تا زمانی که مسئله فلسطین راه حلی عادلانه و بادوام نمی یافت نمی توانست آب شود. اکنون نیز مصر وارد يك معامله تازه با اسرائیل شده و می خواهد هفته آینده معاهده ای را با اسرائیل امضا

کند که براساس آن ارتش مصر ضامن امنیت مرزی نوار غزه پس از عقب نشینی اسرائیل در 15 اوت خواهد بود. سیاستی که یکبار دیگر مردم مصر آن را سازشی جدید و مشارکت مصر در طرح آمریکایی "**خاورمیانه بزرگ**" تلقی می کنند. انتخابات آینده رییس جمهوری در ماه سپتامبر مرحله‌ای مهم در پیشبرد این طرح است و حکومت حسنی مبارک قرار است در پی این انتخابات به برجسب "دمکراسی ساخت آمریکا" مزین شود. تلاش جرج بوش برای پیشبرد این طرح در تمام منطقه اوضاعی سراسر تهدید را بدنبال دارد که تروریست‌های از همه نوع دنبال میوه چینی از آن هستند.